پذیرش ارتکاز جلیل در عین تدقیق در آن، در مراتب وضعی صوم

دیروز عبارتی را از مستمسک خواندیم. جلد هشتم، صفحه سیصد و پنجاه و سه بود.

> **ودعوى: أنه لا دليل على انتقاض الصوم باستعمال المفطر أولا ، بل من الجائز صحته حتى بعد استعماله. ودليل القضاء لا ينافي ذلك ، لإمكان كونه واجباً تعبداً، نظير الكفارة. مندفعة : بأنه خلاف صريح النصوص الدالة على ماهية الصوم ، وبيان المفطرات ، ونصوص القضاء أيضاً، إذ بالإفطار، الصادق مع الجميع ، كما يقتضيه البناء على أصالة عدم التداخل مع عدم ما يوجب الخروج عنه.[1]**

دفاعی را برای توجیه حرف محقق ثانی نقل کردند. گاهی جواب دفاع ها به این صورت می‌شود که مخالف نصوص است. ای به فرمایش آقا دیروز می‌فرمودند وقتی آن را بیان می‌کنید زدن متشرعه یک چیز خنده‌داری می‌شود. می‌گویند صبح تا شب، پنجاه بار عمداً چیزی خورده‌ای ولی هنوز روزه هستی! چه کسی این را می‌پذیرد؟! خُب همینطور است؛ این ارتکاز قبول است. یعنی ما عبارت را طوری تنظیم کردیم که با پیکره اصلی آن ارتکاز جلیل در ذهن متشرعه مخالف است؛ لذا معلوم است که خنده‌دار است و کسی هم نمی‌پذیرد.

اما قرار شد ارتکاز جلیل را دقیق کنیم و همه ادله را در نظر بگیریم، آن وقت عبارت را به نحوی تغییر می‌دهیم که دقیق‌تر شود. اگر عبارت را تغییر دهیم، آن وقت دیگر این لوازم را ندارد. مثلاً همانی که خود محقق ثانی فرمودند. جالب این است که همین چیزی که محقق ثانی می‌گویند - اگر عمداً ده بار غذا خورد باید ده تا کفاره بدهد، چون ده تا افطار بوده در فرض بقاء صوم - نمی‌گویند من می‌گویم، بلکه به روایات استناد داده‌اند. این خیلی مهم است. علامه در جامع المقاصد فرمودند تشبه به صائم کند. محقق ثانی فرمودند:

> **ظاهره: أنّه حيث لا يكون الصوم مجزئا لا يعدّ صوما، و في عدّة أخبار ما يدلّ على أنه صوم، و من ثم تتعدّد الكفّارة بتعدّد المفطر[2]**

«... لا يعد صوما»؛ وقتی صوم مجزی نیست اصلاً صوم نیست. **«و في عدّة أخبار ما يدلّ على أنه صوم»؛** با اینکه مجزی نیست اما صوم هست. این یعنی محقق خانی از ناحیه تعبیری روایت اینگونه میگویند نه از ناحیه تعبیری خودشان. دنبالش هم این را میفرمایند: **«و من ثم تتعدّد الكفّارة بتعدّد المفطر»؛** مفطر که متعدد شد کفاره هم متعدد میشود.

حال با این توضیحات، من عبارت را عوض میکنم. آن وقت دیگر حالت خندیدن در آن نیست. حاج آقا میفرمودند: فتوای آقای خالصی - ظاهراً در کاظمین بودند - در عراق معروف شد؛ گفته بودند شرب توتون و سیگار کشیدن مبطل روزه نیست. ظاهراً برای زیارت به نجف آمده بودند؛ وقتی از بازار نجف از حرم بر میگشتند، چند نفر میخواستند با ایشان شوخی کنند؛ جلوی ایشان رفتند و ایشان را خیلی احترام کردند و ایشان هم بهخاطر این احترام به آنها توجه کردند. گفتند شیخنا مسالة! گفت بفرمایید. گفتند چلو کباب روزه را باطل میکند یا نه؟! به ازاء شرب توتون، اینگونه سؤال کردند. این سؤال خندهدار برای دست انداختن است. معلوم است که اگر عمداً چلو کباب بخورد روزه باطل میشود.

شاید مدتی پیش بود. من دقیق در جریان آن نیستم. شاید شنیدنی بود. یکی نظری آمده بود و یکی دیگر از علماء گفته بود دارید با دین مردم بازی میکنید. دیگری آمده بود متن رسالهای را از عالم دیگری آورده بود که ببینید اینجا هم هست. آنها از جوانی با هم بودند؛ هم درس بودند و به تمام معنا یک دیگر را قبول داشتند. منظور من این است که اگر ما این بحثها را طول میدهیم به این خاطر است که بعضی از مبادی ارتکازی ما باز شود و همه حرفها بیاید. دراینصورت بعداً و در آینده به یاد این مباحثه ما میافتید. اگر من طولش میدهم به این خاطر بود که ببینید مبادیای در اطرافش هست که خوب بود، فی الجمله آن ارتکازات را بازیابی کنید.

> 5:56

خُب فرمودند خندهدار میشود با اینکه این همه غذا خورده بگویی هنوز روزه است. این چه روزه ای است؟! حال همین عبارت را عوض کنیم و بگوییم اگر کسی غذا خورد، بعد از غذا خوردن عمدی، همچنان امر مولی به صوم باقی است. میبینید این خیلی خندهدار نیست. فلذا اگر دوباره بخوری باید دوباره کفاره بدهید. همان مطلب است. در دعوایی که در مستمسک بود آن نحو ناجورش تقریر شده بود.

«و دعوى: أنه لا دليل على انتقاض الصوم باستعمال المفطر أولا»؛ چه کسی میگوید اگر اولین بار چیزی خورد روزه باطل میشود؟! میگوییم خُب این همه نصوص در مورد ماهیت صوم هست، آنها را میخواهی چه کار کنی؟! عمداً غذا خورد هنوز روزه است؟! اگر به این صورت بگوییم خُب خندهدار است.

اما اگر مقصود را عوض کنید؛ همانی که مقصود محقق خانی را بگویید. محقق خانی به این صورت نگفتند. فرمودند صومی که مجزی نیست هنوز صوم است، لذا کفاره متعدد میشود. یعنی مولی هنوز به آن صوم میگوید. خوردی ولی باید روزه بگیری. البته کسانی که کار کلاسیک کردهاند به همان قبلی برمیگردانند و میگویند اینکه همان شد! اما نزد ذهن عرف عام که ارتکازات مبهم دارند اینطور نیست که سریع بگویند این معلوم است. یعنی فوری آن را به دانستههای صریح و روشن تحلیل نمیبرند. این خیلی مهم است. ان شاالله در بحث پنج شنبه هم عرض میکنم؛ خدای متعال ذهن ما را با یک اقیانوس معنا دم ساز کرده است. اگر سراغ حیثیات بروید از بینهایت سر در میآورد. اما زبان و لفظ؛ از آن چه که میتواند یک معنا را بهطور صریح در ذهن منحاز کند، کمبود دارد. و لذا تا آخر کار عالم نشانههای از عالم معنا کمبود دائمی دارد. به همین دلیل است که بشر مشترک لفظی به کار میبرد. یعنی یک لفظ دارد که ابزار دست ذهن و زبان است، با این یک

ابزار صدها کار انجام می‌دهد. چون چراهای ندارد. طرفش یک وسعتی دارد که مجبور است از این الفاظ محدود استفاده کند. حال آن چه که توجه ندارد که عجیب تر است. معانیای هست که بالدقه از هم جدا هستند اما برای همه آنها یک لفظ به کار می‌رود.

---

[1] مستمسك العروة الوثقى نویسنده : الحكيم، السيد محسن جلد : ۸ صفحه : ۳۵۳

[2] جامع المقاصد في شرح القواعد؛ ج۳، ص: ۷۴

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 12:54:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 12:56:18 توسط ... .